

**Introduction to the Reading for 27
November 2022: Revelation 5, 1-14**

John lives in exile on the Greek island of Patmos. There he gets a glimpse of heaven in a vision. He sees the book of life. All the people who are allowed to live eternally are written there. And John sees the one who is allowed to open this book of life: Jesus, the Lamb of God, who bears the sin of the world. Then John hears the praise of millions of angels to Jesus and His heavenly Father. We also hear this hymn of praise after the reading: from the oratorio "The Messiah" by George Frideric Handel.

**روخوانی مقدمه مکاشفه یوحنا 5، 1-14 در
تاریخ 27.Nov.22**

یوحنا در تبعید است و در جزیره یونانی پاتموس زندگی می کند. در آنجا او در یک رویا تصویری از بهشت را می بیند. او در آنجا همچنین کتاب زندگی را می بیند. این کتاب شامل نام تمام افرادی بود که اجازه دارند زندگی ابدی داشته باشند. و یوحنا کسی را می بیند که اجازه دارد کتاب زندگی را باز کند: عیسی، بره خدا، که گناه جهان را به دوش می کشد. سپس یوحنا می شنود که میلیون ها فرشته، عیسی و پدر آسمانی او ستایش می کنند. این سرود ستایشی را پس از خواندن این متن می شنویم: از او اتوریو (قطعه موسیقی برای گروه کر، صدای فردی و ارکستر با محتوای مذهبی یا جدی) Der Messiah اثر جورج فریدریک هندل.

1. I saw in the right hand of Him who was seated on the throne a scroll written on the inside and on the back, closed and sealed with seven seals.

2. And I saw a strong angel announcing with a loud voice, "Who is worthy [having the authority and virtue] to open the scroll and to break its seals?"

1. آنگاه در دست راست آن تخت‌نشین طوماری دیدم با نوشته‌هایی بر پشت و روی آن، و طومار به هفت مهر مَمهور بود.

2. و فرشته‌ای نیرومند دیدم که به بانگ بلند ندا می‌داد: «کیست که سزاوار برداشتن مهرها و برگشودن طومار باشد؟»

3. And no one in heaven or on earth or under the earth [in Hades, the realm of the dead] was able to open the scroll or look into it.

4. And I began to weep greatly because no one was found worthy to open the scroll or look into it.

5. Then one of the [twenty-four] elders said to me, "Stop weeping! Look closely, the Lion of the tribe of Judah, the Root of David, has overcome and conquered! He can open the scroll and [break] its seven seals."

3. و هیچکس، نه در آسمان، نه بر زمین، و نه در زیر زمین، توان آن نداشت که طومار را برگشاید یا حتی در آن نظر کند.

4. من زار زار می‌گریستم زیرا هیچکس یافت نشد که سزاوار گشودن طومار یا نظر کردن در آن باشد.

5. آنگاه یکی از پیران به من گفت: «گریان مباش. اینک آن شیرِ قبیلهٔ یهودا، آن ریشهٔ داوود، غالب آمده است، تا طومار و هفت مهر آن را بگشاید.»

6. And there between the throne (with the four living creatures) and among the elders I saw a Lamb (Christ) standing, [bearing scars and wounds] as though it had been slain, with seven horns (complete power) and with seven eyes (complete knowledge), which are the seven Spirits of God who have been sent [on duty] into all the earth.

7. And He came and took the scroll from the right hand of Him who sat on the throne.

8. And when He had taken the scroll, the four living creatures and the twenty-four elders fell down before the Lamb (Christ), each one holding a harp and golden bowls full of fragrant incense, which are the prayers of the saints (God's people).

6. آنگاه بره‌ای دیدم که گویی ذبح شده باشد، ایستاده در مرکز تخت و محصور میان آن چهار موجود زنده و پیران. هفت شاخ داشت و هفت چشم که هفت روح خدایند که به تمام زمین فرستاده شده‌اند.

7. او پیش آمد و طومار را از دست راست آن تخت‌نشین گرفت.

8. پس از آنکه طومار را گرفت، آن چهار موجود زنده و آن بیست و چهار پیر پیش پای بره بر خاک افتادند. آنها هر یک چنگی در دست داشتند و جامی زرین آکنده از بخوری که همان دعا‌های مقدسین است.

9. And they sang a new song [of glorious redemption], saying, "Worthy and deserving are You to take the scroll and to break its seals; for You were slain (sacrificed), and with Your blood You purchased people for God from every tribe and language and people and nation.

10. You have made them to be a kingdom [of royal subjects] and priests to our God; and they will reign on the earth."

9. و سرودی تازه بدین سان می سرودند که: «تو سزاوار گرفتن طوماری و سزاوار گشودن مهرهای آن، چرا که ذبح شدی، و با خون خود مردم را از هر طایفه و زبان و قوم و ملت، برای خدا خریدی؛

10. و از آنان حکومتی ساختی و کاهنانی که خدمتگزار خدای ما باشند و اینان بر زمین سلطنت خواهند کرد.»

11. Then I looked, and I heard the voice of many angels around the throne and [the voice] of the living creatures and the elders; and they numbered myriads of myriads, and thousands of thousands (innumerable),

12. saying in a loud voice, "Worthy and deserving is the Lamb that was sacrificed to receive power and riches and wisdom and might and honor and glory and blessing."

11. آنگاه نظر کردم و صدای خیل فرشتگان را شنیدم که گرداگرد آن تخت فراهم آمده بودند و گرداگرد آن موجودهای زنده و آن پیران. شمار آنها از هزاران هزار و کُرورها کُرور بیشتر بود.

12. و با صدای بلند چنین می‌گفتند: «آن بره ذبح شده سزاوار قدرت و دولت و حکمت و توانایی است، و سزاوار حرمت و جلال و ستایش.»

13. And I heard every created thing that is in heaven or on earth or under the earth [in Hades, the realm of the dead] or on the sea, and everything that is in them, saying [together], "To Him who sits on the throne, and to the Lamb (Christ), be blessing and honor and glory and dominion forever and ever."

14. And the four living creatures kept saying, "Amen." And the elders fell down and worshiped [Him who lives forever and ever]

13. سپس شنیدم هر مخلوقی که در آسمان و بر زمین و زیر زمین و در دریاست، با هر آنچه در آنهاست، چنین می‌سرودند که: «ستایش و حرمت، و جلال و قدرت، تا ابد از آن تخت‌نشین و بره باد.»

14. و آن چهار موجود زنده گفتند: «آمین»، و آن پیران بر زمین افتادند و نیایش کردند.

**Sermon for 27 November 2022 (1st Advent)
on Revelation 5:1-14/Jes 8:23: Double Turn
of the Times**

Dear congregation!

1. The mood in our country in these weeks before Christmas is different from a few years ago. The Corona years that lie behind us, the war in Ukraine with its consequences for our country, the climate crisis that the vast majority of people in our country have recently become aware of, all this has changed something not only around us but also within us. Chancellor Scholz speaks of a "turning point in time", and I think this describes our situation quite well.

**موعظه در 27 نوامبر 2022 (اول ظهور) در
مکاشفه 8:23 / 14-5:1: نقطه عطف دوگانه**

حضار گرامی!

1. حال و هوای این هفته ها قبل از کریسمس در کشور ما با چند سال پیش متفاوت است. سال های کرونا که پشت سر ماست، جنگ علیه اوکراین با پیامدهای آن برای کشور ما، بحران آب و هوایی که اکثریت قریب به اتفاق مردم اخیراً از آن آگاه شده اند، همه این ها فقط مربوط به ما نیست، بلکه در درون ما نیز تغییر کرده است. صدراعظم شولز از یک "نقطه عطف در زمان" صحبت می کند، و من معتقدم این کلمه وضعیت ما را به خوبی توصیف می کند.

2. Some people think: soon it will be like before, like before the pandemic, like before all these crises. And then we can go on as before. I think these people are wrong. The decades of carefree prosperity in Germany from 1960 to 2020 have, I am convinced, come to an end. A new era has begun, and for many people who were doing well before, things are becoming more difficult and more uncertain.

2. بعضی ها فکر می کنند: اوه، به زودی مثل قبل می شود، مثل قبل از همه گیری، مثل قبل از همه بحران ها. و سپس می توانیم مانند قبل ادامه دهیم. به نظر من این افراد اشتباه می کنند. من متقاعد شده ام که دهه های شکوفایی بی دغدغه در آلمان از سال 1960 تا 2020 به پایان رسیده است. دوران جدیدی آغاز شده است و برای بسیاری از افرادی که قبلاً خوب کار می کردند، همه چیز سخت تر و نامطمئن تر می شود.

3. Some Christians therefore say that these crises and catastrophes we are experiencing were already announced in the Bible. The end times have begun. Everything will get much, much worse. And then our world will end and Jesus will come again. I don't think it can be ruled out that this will happen. But I don't believe that God is already at the end with our world. Haven't there been difficult, serious times in all eras? And aren't we people of the 21st century, despite and with all that may come, better off than, for example, the people of the Middle Ages?

**3. بنابراین برخی از مسیحیان می گویند:
این بحران ها و فجایعی که ما در حال تجربه آنها هستیم قبلاً در کتاب مقدس اعلام شده است. آخرالزمان آغاز شده است. همه چیز خیلی خیلی بدتر خواهد شد. و سپس جهان ما به پایان خواهد رسید و عیسی دوباره خواهد آمد. من فکر می کنم: نمی توان این اتفاق را رد کرد. اما من باور ندارم که خدا هنوز با دنیای ما تمام شده است. آیا در همه ادوار دوران سخت و جدی وجود نداشت؟ و آیا ما مردم قرن بیست و یکم از مثلاً مردم قرون وسطی، علیرغم و با هر چیزی که ممکن است پیش بیاید، وضعیت بهتری نداریم؟**

4. Turn of the times. It won't be like before, but all hell won't break loose either. What lies between these two extremes is hard enough to digest. Years and perhaps decades of crisis have begun. The main reason is climate change. What is clear is that we need to change the way we do business and our lifestyles. I believe that will also happen in the next 10 to 20 years. But it will come too late to save us from major climate crises.

4. نقطه عطف مثل قبل نخواهد بود، اما همه جهنم ها هم از بین نمی روند. هضم هر چیزی بین این دو افراط به اندازه کافی سخت است (پذیرش). سال ها و شاید دهه ها بحران آغاز شده است. دلیل اصلی تغییر اقلیم است. آنچه واضح است این است که ما باید شیوه کسب و کار و شیوه زندگی خود را تغییر دهیم. من معتقدم این اتفاق در 10، 20 سال آینده نیز خواهد افتاد. اما برای نجات ما از بحران های آب و هوایی بسیار دیر خواهد آمد.

5. Millions of people whose home countries will become unbearably hot due to climate change will cross our borders. One thing is clear: we, the people in the richer countries of the West, have caused climate change through our lifestyle. We have eaten too much meat, driven too many cars and travelled too often by plane. We have almost used up the fossil energies that have been stored in the earth for ages in a short time. Now we have to bear the bitter consequences of our actions.

5. میلیون ها نفر که وطنشان به دلیل تغییرات آب و هوایی به طور غیر قابل تحملی گرم می شود، از مرزهای ما عبور خواهند کرد. یک چیز واضح است: ما، مردم کشورهای ثروتمند غرب، از طریق سبک زندگی خود باعث تغییرات آب و هوایی شده ایم. گوشت زیاد خوردیم، زیاد رانندگی کردیم و هواپیماهای زیادی سوار شدیم. در مدت زمان کوتاهی ما تقریباً سوخت های فسیلی را که برای قرن ها در زمین ذخیره شده اند، مصرف کرده ایم. حال باید عواقب تلخ اعمال خود را تحمل کنیم.

6. Climate change will affect us here in central and northern Europe the least. But all this does not mean that everything will be hopeless from now on. In the struggle between dictatorships and democracies, democracy can also win and the rulers in Iran and Russia can fall. And for the refugees who can stay in Germany it will probably still be true that our children will have it better than us one day.

6. تغییرات آب و هوایی کمترین تأثیر را در اینجا در اروپای مرکزی و شمالی دارد. اما همه اینها به این معنی نیست که از این به بعد همه چیز ناامید کننده خواهد بود. در مبارزه بین دیکتاتوری ها و دموکراسی ها، دموکراسی می تواند پیروز شود و حاکمان ایران و روسیه سقوط کنند. و برای پناهندگانی که می توانند در آلمان بمانند، موارد زیر همچنان صدق می کند: فرزندان ما روزی بهتر از ما خواهند داشت.

7. But for the children and grandchildren of those who are already children of prosperity themselves, the reverse is probably true: our children and grandchildren will one day have it worse than we do. It pains me to say this when I think of my own family. But it is also right to look reality in the eye and adjust to it. And as a Christian who understands the worldly not only in a worldly way, but knows that there is one who controls the whole and expects all this of us now: God, who loves us.

7. اما در مورد فرزندان و نوه های کسانی که خود فرزندان ثروتمند هستند، احتمالاً برعکس این موضوع صادق است: فرزندان و نوه های ما روزی بدتر از ما خواهند داشت. وقتی به خانواده‌ام فکر می‌کنم، گفتن این حرف برایم دردناک است. اما مواجهه با واقعیت و تطبیق با آن نیز درست است. و به عنوان یک مسیحی که نه تنها دنیوی را به روشی دنیوی درک می‌کند، بلکه می‌داند: یک نفر همه چیز را کنترل می‌کند و اکنون همه اینها را از ما انتظار دارد: خدایی که ما را دوست دارد.

**8. Turn of the times. Time of crisis. With the 1st Advent today, a new church year begins. On Eternity Sunday a week ago we heard that Jesus opens the door to paradise for us. With the 1st Advent, everything goes back to the beginning. We are taken back to the time when Jesus was not yet born. But even here at the beginning, the promise applies to us: "There will be no darkness over those who are in fear."
(Isaiah 8:23a)**

8. نقطه عطف زمان بحران یک سال کلیسایی جدید با اولین ظهور امروز آغاز می شود. یک هفته پیش در یکشنبه ابدیت شنیدیم که عیسی در بهشت را به روی ما باز می کند. با ظهور اول همه چیز به اول باز می گردد. ما را به زمان قبل از تولد عیسی بازگردانده اند. اما در اینجا نیز، در آغاز، این وعده در مورد ما صدق می کند: "بر ترسانندگان تاریک نخواهد ماند." (اشعیا 8:23).

9. In the reading from the Revelation of John, however, we were not at the beginning, but at the goal of salvation history. Here Jesus, the Lamb of God, opens the book of life in eternity. In it are all those who believe in Him and so will have eternal life.

9. اما در قرائت مکاشفه یوحنا، ما در آغاز نبودیم، بلکه در هدف تاریخ نجات بودیم. در اینجا عیسی، پره خدا، کتاب زندگی در ابدیت را باز می کند. در او همه کسانی هستند که به او ایمان دارند و بنابراین زندگی جاودانی خواهند داشت.

10. This is the path that Jesus, whose birth we now await in Advent, will take: the child will grow up, He will perform miracles and speak of God's love. As the Lamb of God, He will die and rise for us sinners and in the end open the book of life for us in heaven. This Jesus, the Lamb of God, to whom all honour is due, is born into this world as a child.

10. این راهی است که عیسی، که اکنون در ظهور منتظر تولد او هستیم، در پیش خواهد گرفت: کودک بزرگ خواهد شد، معجزه خواهد کرد و از عشق خدا سخن خواهد گفت. او به عنوان بره خدا برای ما گناهکاران خواهد مرد و دوباره زنده خواهد شد و در پایان کتاب زندگی را برای ما در بهشت باز خواهد کرد. این عیسی، بره خدا، که تمام جلال به او تعلق دارد، در کودکی به دنیا آمده است.

11. To us vulnerable and fragile beings, often full of worry and fear, comes this child of heaven, comes our God himself as a vulnerable being. He brings the splendour and power of eternity into our uncertain lives and makes us people who are already written in the book of life. And so "darkness will not remain over those who are in fear." (Isaiah 8:23) This is the biblical turn of the times.

11. به ما موجودات آسیب پذیر و شکننده اغلب مملو از نگرانی و ترس، این فرزند بهشت، خود خدای ما به عنوان موجودی آسیب پذیر، می آید. او درخشش و قدرت ابدیت را به زندگی نامطمئن ما می آورد و از ما افرادی می سازد که از قبل در کتاب زندگی هستیم. و بنابراین «بر ترسان تاریکی نخواهد بود.» (اشعیا 8:23) این نقطه عطف کتاب مقدس است.

12. As Christians we stand in both turns of time. We are living in a time that is becoming more serious and more difficult and in which we will lose many of the previous certainties. But we also live in the Advent of Jesus. God not only sends us uncertain times and thus challenges us. He also sends His own Son to us and makes us children of worry and fear into children of heaven. Thus we are vulnerable and insecure and at the same time carried and protected and inscribed in the book of life.

12. ما به عنوان مسیحی در هر دو نقطه عطف قرار داریم. ما در روزگاری زندگی می کنیم که جدی تر و دشوارتر می شود و بسیاری از قطعیت های قبلی را از دست خواهیم داد. اما ما همچنین در ظهور عیسی زندگی می کنیم. خدا نه تنها زمان های نامطمئن را برای ما می فرستد و بنابراین ما را به چالش می کشد. او نیز پسر خود را نزد ما می فرستد و ما را فرزندان غم و ترس و فرزندان بهشت می سازد. بنابراین ما آسیب پذیر و ناامن و در عین حال حمل و محافظت و - در کتاب زندگی وارد شده ایم.

13. In this way I can soberly accept the situation in the world, in our country, in my life, as it is. I do not have to despair; I do not have to complain and lament. People who come from countries where life was always more insecure than here in Germany and who are now taking the arduous path of migration know this anyway. We children of affluence can learn from them: I cannot give my life ultimate security. I remain dependent on God's help every day. I have to pray again and again for what I absolutely need.

13. اینگونه می توانم با هوشیاری اوضاع دنیا، کشورمان، زندگی ام را آنطور که هست بپذیرم. من مجبور نیستم ناامید شوم، مجبور نیستم گله و ناله کنم. افرادی که از کشورهایایی می آیند که زندگی در آن ها همیشه از امنیت کمتری نسبت به اینجا در آلمان برخوردار بوده و اکنون در مسیر سخت مهاجرت هستند، به هر حال این را می دانند. ما بچه های رفاه می توانیم از آنها یاد بگیریم: من نمی توانم امنیت نهایی را به زندگی خود بدهم. من هر روز به کمک خدا وابسته هستم. من باید برای چیزی که واقعاً نیاز دارم دعا کنم.

14. The loss of prosperity due to climate change is also an opportunity. My heart does not have to be attached to wealth, worldly security and a comfortable lifestyle. Maybe I have to let go of some things that have been part of my life so far. But there is the other turning point. One can give my life ultimate security. One gives security through all fears, worries and crises. So, I can remain calm, practise patience, receive new strength from above again and again and be calm despite all the problems.

14. از دست دادن ثروت ناشی از تغییرات آب و هوایی نیز یک فرصت است. دلم نیازی به رفاه، امنیت دنیوی و سبک زندگی راحت ندارد. شاید باید بعضی چیزها را که قبلا بخشی از زندگی من بود رها کنم. اما نقطه عطف دیگری نیز وجود دارد. یکی می تواند به زندگی من امنیت نهایی بدهد. شخص از طریق تمام ترس ها، نگرانی ها و بحران ها امنیت می بخشد. بنابراین می توانم آرام بمانم، صبر را تمرین کنم، از بالا نیروی تازه ای بگیرم و با وجود همه مشکلات آرام باشم.

15. In this way I can enter the turning point of time without fear. I know that I am in the other turn of time. I await the one who was born for us at Christmas, the Son of God. I hope in the Lamb of God who bore and forgave all our sins. I cling to the child who brings the power of eternity into my life. With Jesus I will get through the crisis well. He is my hope in uncertain times. Amen!

15. پس بدون ترس وارد نقطه عطف می شوم. می دانم که در نقطه عطف دیگری هستم. من منتظر کسی هستم که در کریسمس برای ما متولد شده است، پسر خدا. امیدوارم به بره خدایی که همه گناهان ما را بر دوش گرفته و بخشیده است. من به کودکی چنگ می زنم که قدرت ابدیت را به زندگی من می آورد. با عیسی به خوبی از بحران عبور خواهم کرد. او امید من در زمان های نامطمئن است، آمین.